

موج نوینی از اعدام، شکنجه و سرکوب

۲ تن از کارگران دستگیر شده نفت زیر شکنجه جان باختند
۸ زندانی سیاسی در اسفندماه ماه به حوضه های اعدام سپرده شدند

همچنین رژیم در آبان ماه سال جاری نیز ۱۱ تن دیگر از زندانیان سیاسی، دستگیر شدگان قیام اسلام شهر را به حوضه های مرگ سپرده است. در میان اعدام شدگان، نام عباس قدیری، کارگر کارخانه بهیوش، از اعضای قدیمی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، تاکنون مشخص شده است.

این جنایات تکان دهنده، در کنار موج نوینی از دستگیری ها، فشار و تشدید فعالیت ارگان های سرکوبگر نشانگر آن است که رژیم هراسناک از تشدید نارضایتی توده ها مصمم است تا با توسل به هر شیوه ای جلوی رشد جنبش مردمی و ضد استبدادی را سد کند.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این جنایات تکان دهنده رژیم «ولایت فقیه» باردیگر همه نیروهای مترقی و انسان دوست ایران و جهان را فرا می خواند تا متحداً برای خاتمه دادن به این دور جدید از اعدام ها و کشتار مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی تمام توان و امکانات خود را به کار گیرند.

در آخرین لحظاتی که روزنامه برای چاپ آماده می شد، مطلع شدیم که رژیم جنایتکار «ولایت فقیه» در ۳ اسفندماه ۸ زندانی سیاسی را به حوضه های اعدام سپرده است. بر اساس گزارش های رسیده همچنین دو تن از کارگران نفت به نام های هاشم کاملی و غلام برزگر که در جریان اعتصاب پیروزمند بهمن ماه توسط مزدوران رژیم دستگیر شده بودند، بر اثر شکنجه های وحشیانه دژخمیان جان باخته اند و خطر جدی باردیگر جان زندانیان سیاسی ایران را تهدید می کند.

در میان زندانیان اعدام شده اسامی کیوان شاکری، مهرداد مقدم، علیرضا مجدی و فرهاد قایم از اعضای سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) (همگی قبلاً از زندانیان سیاسی رژیم کنونی در سال های ۶۲ - ۶۸ بوده اند) که در جریان قیام مردمی اسلام شهر دستگیر شده بودند به چشم می خورد. بر اساس همین گزارش ها دو تن از طرفداران سازمان چریک های فدایی خلق، و ۲ نفر زندانی بهایی نیز در میان اعدام شدگان می باشند.

فرخنده باد روز هشتم مارس، روز همبستگی رزمی زنان جهان در راه برابری و رهایی از ستم جنسی!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در ص ۳

گزارش رسیده از ایران پیرامون اعتصاب پیروزمند نفتگران

اعتصاب پیروزمندی که ارکان رژیم را لرزاند

مذاکره با مقامات شرکت نفت وارد ساختمان شدند. نیروهای ضد شورش رژیم سراسر خیابان تخت جمشید را از دو طرف بسته و خیابان قرنی که شمالی - جنوبی است و به طرف شمال یک طرفه می باشد نیز توسط آنها بسته شده بود. از ۲۰ کامیون ارتشی برای اینکار استفاده شده بود و پلیس ضد شورش با لباس و تجهیزات کماندویی در مقابل ساختمان شرکت نفت ایستاده بودند. از ورود هر ماشین، اتوبوس و یا وسایل نقلیه به خیابان جلوگیری می شد پس از مدت کوتاهی جمعیت زیادی از مردم عادی نیز در گوشه خیابان اجتماع کرده بودند و پس از جویا شدن از اوضاع مشغول بحث و اظهار نظر پیرامون شرایط بودند و اکثراً با کارگران ابراز همبستگی می کردند. پس از مدتی انتظار، نمایندگانی که در درون ساختمان بودند توسط مأموران رژیم دستگیر و در سه اتوبوس از ساختمان خارج شدند. در این

«... در ماههای اخیر جو نارضایتی از شرایط کاری، پایین بودن دستمزدها، دیرپرداخت حقوق و اضافه کار، و تشدید فشار اقتصادی در میان کارگران و کارمندان نفت به میزان زیادی افزایش یافته بود. دردی ماه امسال یک اعتصاب یک روزه در پالایشگاه اصفهان، در اعتراض به این شرایط برگزار شد که پالایشگاه های شیراز، کرمانشاه و تبریز نیز با آن اعلام همبستگی کردند. نمایندگان کارگران در گفتگو با مقامات شرکت نفت تا روز ۱۶ بهمن ماه یعنی یک ماه پس از این اعتصاب یک روزه مهلت دادند تا به خواست های آنان رسیدگی شود. از آنجاکه کارگران پس از گذشت یک ماه پاسخی دریافت نکردند و پس از یک مهلت ۱۰ روزه که برای تماس با سایر پالایشگاه ها ضرور بود، سرانجام در روز یکشنبه ۲۷ بهمن نزدیک به ۲۰۰۰ تن از کارگران شرکت نفت، که نمایندگان پالایشگاه های مختلف کشور بودند جلوی ساختمان شرکت نفت در چهار راه تخت جمشید (طالقانی - قرنی) اجتماع و تحصن کردند. گروهی از نمایندگان کارگران برای

ادامه در ص ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۰۱، دوره هشتم

سال سیزدهم، ۲۱ اسفندماه ۱۳۷۵

زنان و مبارزه علیه رژیم «ولایت فقیه»

فرارسیدن روز جهانی، ۸ مارس، فعالیت ها و حرکت های گوناگون در این رابطه در کنار عکس العمل های سنتی بار دیگر مساله حقوق و مبارزه زنان در جامعه را بطور برجسته تری برای نیروهای سیاسی عمده مطرح می سازد. در میهن ما ایران زنان به عوض جشن گرفتن آزادانه دستاوردهای خود - باردیگر خود را مواجه با کوهی از مشکلات و تبعیضات طبقاتی، اقتصادی و سیاسی و اجتماعی که عمدتاً محصول هجده سال

ادامه در ص ۶

در این شماره

- پیام های ششمین پلنوم کمیته مرکزی به:
- کارگران و زحمتکشان ایران
- نیروهای آزادی خواه کشور
- به اعضاء و هواداران حزب
- به زندانیان سیاسی و خانواده شهدا

در صفحات ۴ و ۵ و ۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت فاجعه زمین لرزه در اردبیل

در ص ۸

رویدادهای ایران



سحابی و یزدی نامزد انتخابات ریاست جمهوری

بر اساس گزارش روزنامه همشهری، روز دوشنبه ۱۳ اسفندماه دکتر عزت الله سحابی در یک مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران داخلی و خارجی داوطلبی خود را برای نامزدی ریاست جمهوری اعلام کرد. سحابی در تشریح دیدگاه های خود گفت: «ولایت فقیه جزء اصول قانون اساسی و مصوب اکثریت منتخبین مردم است و من هم ملزم به رعایت قانون اساسی هستم و آن را پاس می دارم...» وی در مورد برنامه اقتصادی خود گفت: عمده ترین مشکل اقتصاد کشور را هزینه های دولتی تشکیل می دهد و در صورت تصدی مقام ریاست جمهوری کار را با اصلاحات مالی در دستگاه های دولتی به نحوی که هزینه ها به حداقل کاهش پیدا کند، آغاز خواهد کرد. سحابی تأکید کرد که وی نامزد هیچ گروه و دسته ای نیست و از نظر فکری: «در این سرزمین به طیفی تعلق خاطر و وابستگی داشته ام که به نام جریان ملی - مذهبی نوگرا شناخته شده است. پیشگامان این

طیف مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی و شهید سید حسین مدرس و مرحوم دکتر محمد مصدق بوده اند...»

• همچنین در بیانیه جداگانه ای که از سوی نهضت آزادی روز ۱۴ اسفندماه انتشار یافت نامزدی دکتر ابراهیم یزدی به عنوان نماینده این نهضت اعلام شد. در اعلامیه ضمن توضیح شرایط کنونی کشور از جمله ذکر شده است: «احزاب و گروه های سیاسی مستقل و مخالف سیاست ها و عملکردهای حاکمیت، اما وفادار به نظام جمهوری اسلامی و ملتزم به قانون اساسی، از حداقل امکانات هم محرومند. ساده ترین فعالیت ها، مانند سخنرانی های علمی - اعتقادی در سطح دانشگاه ها ... توسط گروه های فشار رسمی و غیر رسمی برهم زده می شود... و در حالی که حتی یک حزب سیاسی غیر وابسته به حاکمیت امکان و اجازه فعالیت آزاد را ندارد، حاکمیت به گزافه ادعا می کند که ایران آزاد ترین کشور جهان است؟!...»

شرکت نهضت آزادی در انتخابات ریاست جمهوری، همانند شرکت در انتخابات دور پنجم مجلس شورای اسلامی، نه برای کسب قدرت، بلکه برای انعام حجت و واداشتن حاکمیت به عقب نشینی در برابر ملت و تن دادن به حقوق و آزادی های مردم و قبول و مشروعیت حضور و فعالیت احزاب سیاسی مستقل می باشد...

در شرایط بحرانی کنونی که تهدیدها و خطرات خارجی علیه کیان کشور شدت یافته است، تنها راه پیشگیری و مقابله، اجازه و امکان فعالیت دادن به تمامی احزاب و گروه های سیاسی قانونگرا، کاستن تنش های سیاسی داخلی و فراهم ساختن زمینه های مناسب برای ایجاد وفاق ملی می باشد...»

ممکن نگردیده است و رژیم نیز مصمم است تا با استفاده از هر ترغیبی و با دامن زدن به جو اختلاف و بدبینی در میان نیروهای آزادی خواه کشور از تحقق چنین ائتلافی با تمام توان جلوگیری کند.

زمان آن فرارسیده است که با توجه به شرایط حساس و بحرانی کشور، بار دیگر تلاش های خود را در راه تحقق این خواست که نیاز کنونی شرایط حاضر، و خواست اکثریت مردم میهن ما نیز می باشد، دوچندان کنیم و با کنار گذاشتن پیشداوری های مخرب، و تنگ نظری های سازمانی راه را به سمت ایجاد یک آلترناتیو مترقی و دموکراتیک در مقابل رژیم «ولایت فقیه» بگشاییم. توده های جان به لب رسیده، کارگران و زحمتکشان معترض، جوانان محروم و زنان که از ستم بی سابقه ای در جامعه ما رنج می برند، همگی در انتظار شکل گیری چنین ائتلاف گسترده و ستاد سیاسی مبارزه علیه استبداد و ارتجاع روز شماری می کنند بیایید دست در دست هم سال نورا به سال تحقق این خواست مقدس و سال پیروزی آزادی بر استبداد و ارتجاع بدل کنیم.

ششمین بلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران
اسفندماه ۱۳۷۵

ادامه اعتصاب پیروزمندی که ...

شرایط جو شدت ناآرام شد و کارگرانی که در بیرون ساختمان بودند با مشت های گره کرده و دادن علامت پیروزی شروع به شعار دادن کردند و خواهان آزادی دستگیر شدگان شدند. پس از گفتگو با پلیس ضد شورش عده ای دیگر از کارگران برای جویا شدن از وضعیت دستگیر شده گان اجازه ورود به ساختمان دریافت کردند. در گفتگویی که میان این گروه از کارگران و مقامات شرکت نفت صورت گرفت، نمایندگان کارگران به مقامات شرکت نفت گفتند که ما امشب می بایست وضعیت کارگران دستگیر شده را به خانواده ها و کارگران دیگر اطلاع دهیم و در صورتی که تا آن موقع از سرنوشت این ها خبری نباشد، معلوم نیست که عکس العمل این خبر در بلاشگاه های دیگر چه باشد و اعتصاب عمومی نشود.

همچنین بر اثر پیچیدن خبر اعتصاب در خود ساختمان شرکت نفت، کارمندان نیز در همبستگی با کارگران دست به کم کاری زدند و تا دو روز بعد به مراجعین گفته می شد هفته دیگر مراجعه کنند. بر اثر فشار و تهدید کارگران رژیم تصمیم گرفت تا شب تعداد زیادی از کارگران دستگیر شده را آزاد کند و تنها عده ای را که انجمن اسلامی علیه آنها گزارش داده بود برای بازجویی و شکنجه بیشتر نگاه دارد. عکس العمل این اعتصاب در میان مردم و کارخانه های دیگر بسیار وسیع و مثبت بود و در بسیاری از محیط های کارگری گفته می شد: «بخ شکست». در عین حال نگرانی زیادی پیرامون سرنوشت بقیه کارگران بازداشت شده است.

بهر صورت بعد از دو سه روز روشن شد که رژیم تصمیم به عقب نشینی گرفته، هیأت دولت اعلام کرد ۵۰٪ حقوق کارگران را اضافه خواهد کرد، مسأله بن های کارگری مورد بررسی قرار گرفت و در ضمن اعلام شد دولت مالیات مازاد کار را نسبت به گذشته تخفیف خواهد داد.

تجربه اعتصاب کارگران شرکت نفت نشان داد که کار نسبتاً سازمان یافته و از قبل پیش بینی شده می تواند دست آوردهای درخشانی داشته باشد. رژیم علی رغم ارسال بیش از ۲۰ کامیون مزدور جلوی ۲۰۰۰ کارگر اعتصابی و علی رغم دستگیری وسیع سرانجام ناچار شد در مقابل خواست کارگران تسلیم شود. این پیروزی بزرگ ارکان رژیم را لرزاند و نشان داد که کار متحد اثر زیادی در جامعه خواهد داشت... امروز مهمترین وظیفه دفاع از حقوق کارگران زندانی و راه انداختن یک کارزار بزرگ برای آزادی آنها است. ما به سهم خود در اینجا این کار را به پیش خواهیم برد... شرایط در اینجا هر روز خراب تر می شود. جان مردم به لبشان رسیده است و همه منتظرند واقعه ای اتفاق بیفتد. همه منتظر یک جرقه هستند. بار گذشته انقلاب نیز به همت کارگران نفت به پیروزی رسید و این بار هم امیدواریم این اعتصاب قدم اولی باشد در راه آزادی مردم ستمدیده میهن ما...»

ادامه پیام به نیروهای آزادی خواه

گرفتن جنگ قدرت و درگیری ها در هر حاکمیت و تشدید روزافزون جو ناراضیتی توده ها و تفرع عمیق آنان از جناح حاکم، شرایط برای تشدید مبارزه علیه رژیم بیش از پیش آماده می گردد و هر روز گروه ها و رده های جدیدی از افشار، نیروهای اجتماعی و سیاسی کشور به صف مبارزه علیه رژیم «ولایت فقیه» و استبداد حاکم می پیوندند. در چنین شرایطی لزوم ایجاد یک ستاد مشترک، پرتحرک و دموکراتیک سیاسی که بتواند مبارزه پراکنده توده ها را سازمان دهی کند و راه را به سمت ایجاد یک جنبش وسیع و توانمند مردمی بگشاید، مهمترین و عاجل ترین وظیفه ای است که پیشروی همه نیروهای ملی، آزادی خواه و دموکراتیک کشور قرار گرفته است. حزب توده ایران اکنون مدتی است که پیشنهاد تشکیل یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری با اهداف و برنامه مشخص را طرح کرده است و در راه تشکیل آن تلاش می کند. تجربه عملی ما در سال گذشته نشان می دهد که علی رغم موافقت وسیع در میان نیروهای ملی و آزادی خواه کشور پیرامون ضرورت تشکیل چنین جبهه ای و یا ائتلافی هنوز به دلیل پیشداوری های موجود، و خود محور بینی ها تحقق عملی چنین ائتلافی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران



به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن درود آتشین به زنان پیکارگر و رزمنده ایران!

گوشه و کنار کشور از جمله اقدام هایی است که رژیم در مقابل حرکت و مبارزه زنان سازمان دهی کرده است.

مبارزه برای رهایی زنان از زنجیرهای استبداد، امروز یکی از مهمترین عرصه های پیکار نیروهای ملی، مترقی و آزادی خواه کشور است که علیه رژیم «ولایت فقیه» در جریان است. مبارزه در راه لغو کلیه قوانین محدود کننده حقوق زنان، مبارزه در راه تأمین حقوق اجتماعی - اقتصادی برابر - حق اشتغال، حق تحصیل، حق انتخاب آزاد در همه عرصه ها و قوانین مدنی مترقی که پاسدار حقوق زنان در خانواده باشد، از جمله مهمترین عرصه هایی است که زنان ایرانی در راه دست یابی به آن پیکار می کنند. زنان میهن ما به تجربه دهه ها مبارزه دریافته اند که مبارزه علیه ستم جنسی بخش جدایی ناپذیر و مهمی از مبارزه طبقاتی است که در جامعه علیه استثمار، ظلم و بی عدالتی در جریان است. و تنها در تلفیق دقیق و هشیارانه مبارزه صنفی با مبارزه عمومی خلق است که می توان راه را به سوی تحولات بنیادین برای رها ساختن جامعه از افکار پوسیده و قرون وسطایی که رژیم تلاش دارد به آن تحمیل کند، باز نمود.

حزب توده ایران افتخار می کند که نخستین حزب سیاسی کشور ما است که پرچم مبارزه در راه حقوق زنان را به اهتزاز درآورد و در طول بیش از پنجاه و پنج سال پیکار پیگیر و خستگی ناپذیر توانست تأثیر به سزایی در این مبارزه برجای بگذارد. زنان مبارز توده ای خصوصاً در دهه های اخیر نقش ویژه ای در مبارزات زنان کشور داشته اند. پیکار قهرمانانه زنان توده ای در زندان قرون وسطایی رژیم «ولایت فقیه» چهره های درخشان و فراموش ناشدنی همچون رفیق شهید فاطمه مدرس (سیمین فردین) که علی رغم شکنجه های وحشیانه قهرمانانه تادم مرگ ایستاد و از اعتقاد خود روی بر نگرداند از جمله برگ های زرینی از رزم زنان توده ای است که امروز نیز در گوشه و کنار کشور ادامه دارد.

حزب توده ایران امروز نیز مانند گذشته خود را بخش جدا ناپذیری از پیکار زنان ایران برای رهایی و برابری می داند و اعتقاد دارد که بدون آزادی و برابری برای زنان میهن ما آزادی و عدالت اجتماعی در کشور ما میسر نیست. زنان دلاور و پیکار جوی میهن ما نشان داده اند که نیروی مهم و تعیین کننده ای در مبارزه عمومی خلق علیه استبداد بوده و هستند و این نقش امروز بیش از پیش روشن و آشکار می شود. کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر این روز خجسته را به همه زنان مبارزه میهن مان خصوصاً زنان کارگر و زحمتکش تبریک می گوید و اطمینان دارد که نبرد برای رهایی زنان میهن از زنجیرهای استبداد قرون وسطایی به سرانجام پیروزمند خود خواهد رسید.

درود پر شور به زنان مبارز و آزادی خواه ایران!

درود پر شور به زندانیان سیاسی زن دیروز و امروز میهن ما!

فرخنده باد ۸ مارس، روز جهانی زن!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اسفندماه ۱۳۷۵

زنان مبارز و مقاوم ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران گرم ترین درودهای رزمجویانه خود را به مناسبت فرخنده هشتم مارس، روز جهانی زن و روز تجدید عهد با آرمان های والا و انسانی رهایی زنان از ستم جنسی و طبقاتی برای دست یابی به حقوق برابر به شما تقدیم می کند و برای همه زنان مبارز و ستم دیده کشورمان که در بندهای استبداد قرون وسطایی اسیرند آزادی آرزومند است.

امسال ۸۷ سال از نخستین برگزاری این روز می گذرد. طی این سال ها زنان سراسر جهان برای دست یابی به حقوق خود راه و مبارزه دشوار و غرور آفرینی را پشت سر گذاشته اند. دست یابی به حق رأی، حق شرکت در سرنوشت سیاسی و اجتماعی، حق تشکل و از همه مهمتر گام های عملی در راه دست یابی به استقلال اقتصادی - اجتماعی و رها شدن از بندهای پوسیده قوانین ضد مردمی که به زن به عنوان کالا می نگرد، بخشی از مبارزه دشوار و عظیمی است که زنان و نیروهای مترقی جهان به پیش برده اند و به دست آوردهای مهمی نیز دست یافته اند.

شما بار دیگر در شرایطی به استقبال این روز فرخنده می روید و آن را در محافل کوچک و بزرگ خود در گوشه و کنار کشور جشن می گیرید که ارتجاع حاکم همچنان حقوق شما را خشن و بی رحمانه زیر پا می گذارد. هجده سال پس از پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷، که شما در صفوف نخست آن در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی پیکار کردید، رژیم استبدادی حاکم همچنان می کوشد تا با بهره گیری از قوانین قرون وسطایی و پوسیده شما را از حقوقی که در پی دهه ها مبارزه کسب کرده اید محروم کند و چرخ تاریخ را به عقب بازگرداند.

لنین می گفت: میلیون ها زن بردگان خانگی هستند که در راه تأمین خوراک و پوشاک خانواده، با چند شاهی خود را نیست و نابود می کنند در این راه نویدمانه می کوشند و از همه چیز جز کار و زحمت خود صرفه جویی می کنند. سران رژیم جمهوری اسلامی نیز امروز به زنان میهن ما به مثابه «بردگان خانگی» می نگرند که نمی توانند و نمی بایست از حقوق برابر با مردان برخوردار باشند.

محروم کردن زنان از حق کار، حق تحصیل و در مجموع سد کردن راه زنان برای دست یابی به استقلال اقتصادی - اجتماعی بخشی از تفکر پوسیده ای است که امروز به نام رژیم «ولایت فقیه» بر میهن ما حاکم است.

علی رغم هجده سال سرکوب و انواع ترفندها و تصویب لوایح ارتجاعی و زن ستیزانه که از ارگان های قانون گذاری رژیم بیرون آمده است و از بین بردن بسیاری از حقوق مدنی زنان، مبارزه زنان میهن ما علیه ظلم و استبداد حاکم نه تنها فروکش نکرده و خاموش نشده است، بلکه هر روز بیش از پیش گسترش می یابد. امروز با وجود یورش، آزار و اذیت گروه های فشار و چاقو کشان حزب الله و انصار حزب الله، زنان میهن ما با حضور گسترده خود در میدان گوناگون نشان داده اند که مصمم اند در مقابل زورگویی و تجاوز رژیم به حقوق شان ایستادگی کنند. حضور گسترش یابنده زنان در صحنه مبارزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور و مبارزه در راه وادار کردن رژیم به عقب نشینی و پس گرفتن بسیاری از قوانین و لوایح ارتجاعی از جمله عرصه های مهمی است که زنان میهن ما در راه آن پیکار می کنند.

هراسناک از این پیکار گسترش یابنده، رژیم در ماه های اخیر بار دیگر بر تضحیقات علیه زنان میهن ما افزوده است و زیر پوشش مبارزه «با تهاجم فرهنگی غرب» مجدداً گروه های چاقو کش و فشار را به میدان آورده است. ارسال آتین نامه های ارتجاعی به ادارات دولتی و غیر دولتی و مراکز آموزشی برای تحمیل شدیدتر «حجاب اسلامی» و تهدید زنان مبارز به پاکسازی و پیگرد، جدا سازی محیط های آموزش عالی، تشدید فشار و پیگرد علیه تشکل های اجتماعی زنان در



پیام ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به اعضاء و هواداران حزب

رفقای گرامی!

ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران گرم ترین درودهای ریفقانه خود را به شما اعضاء و هواداران حزب که در شرایط دشوار ادامه حکومت ترور، اختناق و استبداد، پرچم پرافتخار رزم حزب و طبقه کارگر ایران را همچنان در اهتزاز نگاه داشته اید تقدیم می کند. مبارزه شما در این شرایط دشوار و در حالی که دشمنان از هر سو حزب ما را مورد تهاجم و یورش خود قرار داده اند نمونه ای از استواری و پابندی به اصول و اهداف انسانی و پرافتخاری است که نسل های گذشته ما، حیدر عموغلی ها، ارانی ها، سیامک ها، روزبه ها و ... به یادگار گذاشته اند و شما امروز آنرا پاسداری می کنید.

امروز با نقش برآب شدن توطئه نابودی فیزیکی حزب توده ایران، علی رغم دستگیری های وسیع، شکنجه، شوهای تلویزیونی و سپس کشتار وحشیانه صدها تن از برجسته ترین شخصیت های ملی، سیاسی، فرهنگی و ادبی کشور - اعضاء و رهبران حزب توده ایران - و علی رغم عقب گردهایی که جنبش کارگری و کمونیستی در سطح جهان با آن روبرو شده است، بار دیگر تلاش برای ضربه زدن به حزب توده ایران، برای متوقف کردن مبارزه مقدسی که توده ای ها در درون و بیرون کشور علیه رژیم «ولایت فقیه» دنبال می کنند، در دستور کار ارگان های سرکوبگر و ضد مردمی جمهوری اسلامی قرار گرفته است و بیش از پیش اعضاء، رهبری و سازمان های حزب را مورد هدف قرار داده است.

رژیم جمهوری اسلامی به خوبی از نفوذ معنوی حزب ما در میان توده ها مطلع است و بر اساس همین درک است که پس از یورش خونین سال ۱۳۶۱، با نگرانی روند بازسازی حزب را دنبال کرده و از هیچ تلاش و ترفندی برای تخریب و متوقف کردن این روند فروگذاری نکرده است. امروز ما حق داریم که چهارده سال پس از این یورش وحشیانه و مرگبار، با غرور و سربلندی در پیشگاه تاریخ بایستیم و ببالیم که حزب توده ایران زنده است و به پیکار سرنوشت ساز خود ادامه می دهد.

رفقای عزیز!

شرایط کشور به سرعت در حال تغییر و تحول است. بحران اقتصادی - اجتماعی که روز به روز به نارضایتی بخش های وسیع تری از مردم ما منجر می شود، در کنار مبارزه طلبی و مقاومت روز افزون توده ها در مقابل دستگاه ظلم و استبداد رژیم «ولایت فقیه» از یک سو و بحران سیاسی که رژیم را در خود فرو برده است شرایط حساسی را در کشور پدید آورده است. تشدید و گسترش جو اختناق در ماه های اخیر بیش از آنکه نشانگر تثبیت رژیم باشد از هراس سران جمهوری اسلامی از روند تحولات و امکان برخوردهای بزرگ اجتماعی حکایت می کند که رژیم به شدت خواهان جلوگیری از آن است.

بدیهی است که در چنین شرایطی از یک سو فضای مناسب تری برای جلو بردن امر مبارزه و بسیج توده ها فراهم می آید و از سوی دیگر با تشدید فعالیت ارگان های سرکوبگر خطرات جدیدی بر سر راه مبارزان راه آزادی ایجاد می شود. اعتصاب پیروزمند کارگران و کارمندان صنعت نفت در هفته های اخیر از جمله

نمونه های درخشان مبارزه توده ای است که به صورت خودجوش در حال شکل گیری است و می بایست برای سازماندهی و هدایت آن بیش از پیش تلاش کرد.

حزب توده ایران در ششمین پلنوم کمیته مرکزی خود با ارزیابی شرایط حساس کشور بار دیگر بر این ارزیابی تأکید کرد که یگانه راه رهایی میهن از چنگال استبداد، شکل گیری یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری است که بتوان مبارزات خودجوش، پراکنده و سازمان نیافته توده ها را حول شعارهای مشخص طرد رژیم «ولایت فقیه»، برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی سازمان دهی کرد. امروز مبارزه برای تحقق این امر ضرور و حیاتی یکی از عمده ترین وظایف نیروهای ملی، مترقی و آزادی خواه کشور است. در نبود یک آلترناتیو روشن، مردمی و دموکراتیک رژیم قادر خواهد بود با توسل به سرکوب، مانور و ترفندهای گوناگون آتش خیرش های مردمی را در گوشه و کنار کشور خاموش کند و انفجار اجتماعی را که می رود تا بر حیات ضد مردمی آن نقطه پایانی بگذارد به تأخیر بیندازد.

رفقای گرامی!

ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران تصمیم های نهایی پیرامون تدارک و برگزاری چهارمین کنگره حزب توده ایران را اتخاذ کرد. بی شک برگزاری چهارمین کنگره حزب توده ایران در شرایط حساس کنونی و با مجموعه اسناد و وظایفی که پیش روی آن قرار دارد، جای ویژه ای در تاریخ حزب ما خواهد داشت. تلاش برای هرچه موفق تر برگزاری کردن چهارمین کنگره و غنا بخشیدن به اسناد سیاسی، نظری و تشکیلاتی آن از مهمترین وظایفی است که پیش روی همه ما قرار دارد. ما اطمینان داریم که تمامی اعضاء و هواداران حزب با درک این مسؤولیت بزرگ از هیچ کوشش و تلاشی در این امر فروگذاری نخواهند کرد و حزب توده ایران خواهد توانست گام بلند دیگری را در راه تحکیم سازمانی و ایده ای صفوف خود بردارد.

باهم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!
پیش به سوی تدارک و برگزاری پیروزمند چهارمین کنگره حزب توده ایران!

ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران
اسفندماه ۱۳۷۵

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران



پیام پلنوم ششم کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان

عمل مستقل عناصر آگاه طبقه کارگر در واپسین ماه های حیات رژیم دیکتاتوری سلطنتی شاه از طریق هزاران کمیته اعتصاب، شورای کارخانه و اداره، سندیکا و اتحادیه و اشکال گوناگون دیگر به تیغ برنده ای بدل گردید که ریشه های رژیم شاه را از بن مورد حمله قرار داده و سقوط آن را حتمی کرد. اکثریت قریب به اتفاق این تشکل ها، تشکل های مستقل و دموکراتیکی بودند که برپایه تجربه عینی کارگران و با توجه به شرایط مشخص زندگی و حیطة فعالیت آنان شکل گرفته بودند. طبقه کارگر کشور ما با تکیه بر این تجربیات تاریخی و درس گیری از تحولات ۱۸ ساله اخیر قابلیت ایفای نقش کلیدی در جنبش آزادی طلبی میهن علیه رژیم «ولایت فقیه» را دارا می باشد.

حزب توده ایران برپایه تحلیل علمی و طبقاتی خود معتقد است که در جنبش کنونی برای پایان دادن به سلطه اختناق بر میهن طبقه کارگر می تواند و باید نقش ممتاز و برجسته تاریخی خود را ایفاء نماید بخصوص از آنرو که سرکوب سالیان اخیر امکان عمل مستقیم وسیع سازمان های سیاسی طبقه کارگر عملا از آنان سلب شده است، طبقه کارگر با بدست گیری پرچم مبارزه برای خواست های عمده خلق، دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی - می تواند در جهت جبران خلاء موجود عمل نماید. این مهم هم چنین با رادیکالیزه کرده خواست ها و شعارها و دادن خصلت طبقاتی به آن - امکان تحول و تعمیق و تداوم جنبش عمومی را فراهم می آورد.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

حزب توده ایران شما را فرا می خواند که با گسترش مبارزات صنفی و حق طلبانه خود و پیوند دادن آن به مبارزه عمومی مردم کشور در راستای تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برزمید. حزب توده ایران، حزب کارگران و زحمتکشان میهن، با اعتقاد به اینکه طبقه کارگر ایران انقلابی ترین و پیگیرترین نیروی مبارزه برای دموکراسی، آزادی های بنیادین، استقلال و عدالت اجتماعی است، در راه اعتلای این مبارزه و تدارک پیروزی آن از پای نخواهد نشست.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
اسفند ماه ۱۳۷۵

کمیته مرکزی حزب توده ایران با اعلام همبستگی رزمنده خود با شما تولید کنندگان ثروت های مادی و معنوی جامعه و سازندگان واقعی تاریخ، بار دیگر میثاق تاریخی خود را در همبستگی با مبارزات زحمتکشان کشور علیه رژیم دیکتاتوری «ولایت فقیه» بخاطر دموکراسی و عدالت اجتماعی تجدید می نماید. ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران که در یکی از حساس ترین مقاطع تاریخ جنبش ملی و دموکراتیک میهن ما برگزار می شود، اعضاء و هواداران خود را فرا می خواند تا برپایه سنن افتخارآمیز و انقلابی حزب توده ایران، در جهت اعتلاء مبارزه زحمتکشان بخاطر خواست های بلاواسطه و نیز استراتژیک آنان فعالیت سازمان یافته خود را تشدید کنند.

کارگران و زحمتکشان میهن!

این حقیقتی است که در قرن اخیر شما موفق شده اید تا نقشی قاطع در تحقق شعارها و دستیابی به آماج های جنبش های مردمی میهن از انقلاب مشروطیت گرفته تا جنبش آزادی طلبی دهه ۲۰، از جنبش ملی شدن صنعت نفت و مبارزات ضد استعماری گرفته تا جنبش ضد دیکتاتوری علیه رژیم شاه و از انقلاب بهمن گرفته تا مبارزه علیه واپسگرایان حاکم داشته باشید. در مبارزات بغرنج و پیچیده کنونی برای طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار یک حاکمیت مبتنی بر دموکراسی و قانون و عدالت اجتماعی نیز رسالت تاریخی امر بر دوش شما قرار دارد.

این امر در درجه اول از آنجا ناشی می شود که بحران بی سابقه و همه جانبه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که کشور را فراگرفته است در درجه اول به زحمتکشان صدمه می زند. این حقیقتی آشکار است که در نیم قرن اخیر سطح درآمد واقعی زحمتکشان تا به حد امروز پایین نبوده است. نبود امنیت شغلی و دره ژرف موجود بین سطح پایین درآمد و هزینه های نجومی زندگی روزانه، نبود یک سیستم تامین اجتماعی واقعی، بی قانونی و عملکرد «آزادانه» کارفرمایان و حوادث ناشی از کار زندگی زحمتکشان را به جهنمی تبدیل کرده است.

اوج گیری مبارزات صنفی طبقه کارگر در سال های اخیر که بویژه در جریان اعتصاب شوهمند و پر اهمیت کارگران نفت تجلی یافت، لزوم مذاقه و نتیجه گیری های لازم جهت تعیین سیاست های تاکتیکی و استراتژیک را ضروری می سازد. در این روند نمی توان و نمی بایست از توجه به تجربیات گرانهای جنبش کارگری کشورمان در نیم قرن اخیر غافل ماند. فعالان جنبش کارگری کشور بخاطر دارند که چگونه ابتکار

پیام ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به نیروهای آزادی خواه کشور



های گذشته به دفعات و در اشکال گوناگون تجربه شده و با شکست روبرو گردیده است. مانورهای سران رژیم از جناح «میان رو» و «پراگماتیک» تا جناح «محافظه کار افراطی» در هشت سال گذشته و نوسان میان گشودن روزنه های بسیار کوچک سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همواره به سرکوب خونین، دستگیری و شکنجه مخالفان و دگراندیشان منجر شده است و سران رژیم نشان داده اند که حفظ رژیم «ولایت فقیه» و منافع طبقاتی - گروهی حاکمیت کلیدی ترین و حیاتی ترین وظیفه ای است که به آن اعتقاد دارند و عمل می کنند.

ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، با ارزیابی شرایط حساس و رویدادهای سیاسی کشور در سال گذشته بر این عقیده است که با توجه به بالا

دوستان گرامی!

همان طوری که مطلع اید، میهن ما سالی دشوار و پرحادثه دیگری را پشت سر می گذراند. ادامه بحران همه جانبه اقتصادی - اجتماعی در کنار بحران فزاینده سیاسی و نارضایتی اوج یابنده توده ها نشانگر نضج گیری مبارزه وسیع، اما پراکنده در درون جامعه و شرایطی است که بیش از پیش نیازمند یک رهبری سیاسی واحد، با درایت ملی و دموکراتیک است.

اکثریت قاطع نیروهای سیاسی ملی و دموکراتیک کشور در این ارزیابی متفق القول هستند که در شرایط ادامه حکومت سرکوب، ترور و اختناق و با توجه به تجربه هجده سال گذشته نمی توان امیدوار بود که سران رژیم «ولایت فقیه» گام موثری در راه تغییر شرایط بردارند و هرگونه تصویری پیرامون «تحول از بالا» و یا «استحاله» رژیم در سال

ادامه: زنان و مبارزه علیه ...

حکومت استبدادی - سرکوب و فقر است، می یابند. عملکرد رژیم «ولایت فقیه» در برخورد به مساله حقوق زنان و لزوم چاره جویی موثر در قبال آن، در دو دهه اخیر در میان انبوه مسايل عاجل فراروی جنبش ترقی خواهانه نقشی حاد به خود گرفته است. این امر به ویژه در شرایطی که افکار عمومی جهان در سال های اخیر از طریق کنفرانس های سازمان ملل در باره زن - در قاهره و پکن توجه ویژه ای به حقوق زن نشان داده است، عمده تر شده است. به موازات دگرگونی روند تولید، تغییرات ریشه ای در حیات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جوامع باعث بسط آگاهی و قبول برابری زنان شده است. جوامع مختلف با سیستم های حکومتی متنوع ضمن تصریح برابری زن زیر فشار افکار عمومی مجبور به وضع قوانین پیرامون اصلاح و بهبود موقعیت زنان شده اند. ما در انتهای قرن بیستم در عصری زندگی می کنیم که بیش از هر زمان دیگر زنان به مثابه اعضای مساوی الحقوق جامعه با وقوف به حقوق واقعیشان در راه اصلاح ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به نفع زنان بیش از پیش به مبارزه اجتماعی می گرایند. در آخرین سال های پایان هزاره دوم، بیش از هر زمان دیگر تشکل های مختلف صنفی و سیاسی زنان برای بازنگری و بحث و اصلاح قوانین که حیات آنان را مستقیماً مورد تاثیر قرار می دهد، می پیوندند، مطمئناً عرصه این حقوق و اشکال مبارزه برای گسترش آن محدود به قابلیت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع می باشد. و این حقیقت که زنان و سازمان های صنفی مبارز در راه برابری زنان نقشی عمده و بلامنازع در این روند دارند مورد سوال و بحث نمی باشد. جوامع معدودی وجود دارند که علناً امر برابری زن در جامعه را مردود می شمارند.

در «جمهوری اسلامی ایران» حقوق زنان به نحوی خشن لگد مال می شود. زن ستیزی و پایمال کردن حقوق زنان جامعه از اساس سیستم اعتقادی - فکری - ارزشی رهبران و سیاست گذاران رژیم ناشی می شود. محمد یزدی، رئیس قوه قضائیه رژیم «ولایت فقیه» در ۲۴ آذرماه ۱۳۶۵ در روزنامه رسالت اعتقاد محکم خود را به بردگی زن در جامعه اسلامی در قالب کلمات زیر ابراز کرد: «زن شما که در مالکیت شما می باشد، در واقع برده شماست». بر طبق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی جاری در جمهوری اسلامی شوهر می تواند زنت را از اشتغال در مشاغل فنی منع کند و ماده ۱۱۳۳ قانون عمومی مقرر می دارد که مرد می تواند هر وقت بخواهد و بدون اینکه از قبل به همسرش اطلاع دهد او را طلاق دهد. تبعات اعمال این سیستم فکری به عنوان پایه سیاستگذاری های اجتماعی رواج نقطه نظرات ارتجاعی در مورد زنان و تضعیف موقعیت زنان در اشتغال مناصب اجتماعی و سیاسی بوده است. مقاومت خشن رژیم در مقابل هرگونه خواست بهبود موقعیت زنان اثرات خود را به شکل عدم وجود سازمان های متنوع صنفی - سیاسی مجاز و عدم حضور نمایندگان واقعی زنان در عرصه های مختلف صنفی و سیاسی در جامعه نشان می

دهد.

در جمهوری اسلامی ایران تنها زنانی که از صافی های متعدد مذهبی، ایدئولوژیک و سیاسی گذشته اند امکان نامزد شدن برای انتخاب در شوراها و مجالس را دارند. هیچگونه سازمان اپوزیسیون زن و هیچ سازمان صنفی مستقل فعال در امور زنان در کشور وجود ندارد. رژیم در جریان سرکوب نیروهای ترقی خواه و دگراندیش در چند ساله اول پس از انقلاب با حمله به سازمان ها و تشکل های صنفی زنان نظیر تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و زندانی کردن و شکنجه و اعدام فعالان زن عملاً مخالفت خشن خود را با حضور فعال و بارآور زنان در جامعه اثبات کرد. فاجعه اینجاست که عملکرد رژیم جامعه را از نیروی طبیعی و با انرژی نمایندگان واقعی زنان که می توانند در عرصه های مختلف جهت احقاق حقوق واقعی آنان مبارزه کنند، محروم کرده است.

در تدوین قانون اساسی و دیگر قوانین پایه ای کشور هیچگونه نظرخواهی ای از زنان در زمینه حقوق آنان انجام نگردید و مواد و تبصره های متعدد بدست مردانی قلم زده شد که در مخالفت با حقوق زن مواضع استراتژیک دارند. در قوانین مدنی کشور زنان از ابتدایی ترین حقوق اولیه و انسانی برخوردار نیستند. این محصول عملکرد رژیم در مسدود کردن راه زنان برای شرکت در مراجع تصمیم گیری درباره حقوقشان می باشد. چه کسی بهتر از زنان می تواند درباره حقوق خانواده، حق چند همسری، طلاق یک جانبه مردان تصمیم بگیرد. چه کسی بهتر از زنان شاهد اثرات مستقیم و منفی این قوانین بر خود و در نتیجه بر فرزندان خانواده خود می باشد؟ چه کسی بهتر از زنان و مادرانی که تحت فشارهای اجتماعی و فقر اقتصادی و زورگویی «رئیس قانونی خانواده» جگر گوشه های خود را در عنفوان شکوفایی زندگی به عقد مردان مسن در می آورند و خود را به این بردگی خانگی آلوده می سازند، می تواند درباره عواقب جانکاه قوانین مصوبه ارتجاعیون حاکم نظر بدهد؟ چه کسی بهتر از خود زنان می توانند در مورد کلیه محرومیت هایی که در جامعه بر او وارد می شود، محدودیت های آموزشی و حق تحصیل، محدودیت های کاری و شغلی، محدودیت از پرداختن به رشته های گوناگون ورزشی و هنری، محدودیت حق انتخاب همسر و طلاق و محدودیت در زمینه ارث و از همه مهمتر محدودیت ها و عدم وجود ابتدایی ترین حق مادری یعنی حق سرپرستی فرزندان فریاد برآورند؟

چه کسی بهتر از زن می تواند لکه ننگ این توهین بزرگ را که در عرصه شهادت تحت نام ماده قانونی بر او وارد می شود از دامن جامعه بزدايد.

در جمهوری اسلامی به زنان می گویند که نمی توانید قاضی بشوید زیرا انسان کاملی نیستید و در نتیجه در امور قضاوت تصمیمتان بکار ما نمی آید. که شما جانبدارید! از دل راهروهای دادگستری کشور که شاهد بی حقوقی زنان و مادران هستند خون می بارد ولی تصمیمات نهایتاً بدست مردان قلم زده می شود.

جامه عمل پوشاندن به سلسله قوانین ارتجاعی و قرون وسطایی حاکم در کشور فقط در سایه یک نظام خودکامه و ضد زن امکان پذیر شده است. تنها تحت حکومت رژیم خودمحور بین و بی اعتنا به افکار عمومی جهان است که زنان ایران چنین مصایبی را شاهد هستند. تنها در سایه ایجاد جو رعب و وحشت و فقر سیاه است که اعمال چنین

قوانینی امکان پذیر می باشد. قوانین جمهوری اسلامی چنان زنجیری بدست و پای زن ایرانی بسته است که امکان رشد استعداد و شکوفایی نیمی از جمعیت میهن ما را به طور جدی مسدود کرده و هنگامی آنان با سایر زنان جهان را بطور جدی به زیر علامت سوال برده است. و درد این جا است که این امر در جامعه ای صورت می گیرد که زنان در مبارزات ضد استعماری، مبارزات بخاطر ملی شدن نفت و انقلاب شکوهمند بهمن همواره علیه دیکتاتوری حاکم رزمیده اند.

علی رغم دشواری شرایط، زنان آزاده ایران مصممند که حضور فعال خود را در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از هر طریق ممکن به رژیم تحمیل کنند. زنان مبارز برپایه شناخت دقیق از نیروی خود در بسیج افکار عمومی، برآنند که در مقابل سیاست های رژیم برای راندن زنان به کنج خانه ها و صحنه آشپزخانه مقاومتی در خور را سازمان دهند. این مقاومت را می توان و باید در اشکال متنوع آن و با استفاده از تمامی امکانات معنوی جنبش آزادیخواهانه سازمان داد.

باید نتایج شوم سیاست های اعمال شده از سوی رژیم را در وسیع ترین سطح جامعه افشاء نمود. می بایست با علنی کردن سطح واقعی فساد، فحشاء، اعتیاد و جنایت در جامعه پوشش شرعی این واپس ماندگی را از هم درید. می بایست این حقیقت را که بقای رژیم «ولایت فقیه» مطمئناً به قیمت تمامی دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی ملی مردم که برپایه آن مقامی برجسته در منطقه و جهان داشته اند، تمام خواهد شد، با صدای بلند اعلام نمود. زنان ایران بدلیل فشار مستقیمی که از ادامه حیات رژیم تحمل می کنند باید در مبارزه علیه آن نقش برجسته ای داشته باشند. مبارزه صنفی و سیاسی زنان با کارزار عمومی خلق علیه دیکتاتوری حاکم در ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک می باشد. اوج گیری دوباره مبارزات مردم علیه رژیم و سیاست های خانمان برانداز آن این امید را که بتوانیم با طرح شعارهای به موقع و دقیق اقشار عظیم میلیونی زنان را در مسیر تعیین سرنوشت جنبش سهمیم واقعی می کند. فعالان جنبش باید بخاطر داشته باشند که:

- زنان ایران هیچیک از مواد غیر انسانی و ارتجاعی قانون اساسی در مورد مقام زن و خانواده و کودکان را به رسمیت نمی شناسند.

- آنان جمهوری اسلامی را ناقض حقوق پایه ای

و انسانی زنان می دانند.

- آنان خواستار نظامی مبتنی بر حقوق برابر برای زنان هستند.

- آنان خواستار تدوین قوانین جامع مدنی و عمومی که در بردارنده کلیه حقوق مربوط به زنان باشند، هستند و مصمم هستند که در روند آن حضور مستقیم زنان کشور و سازمان های صنفی و سیاسی آنان را تامین کنند. زنان ایران خواهان سهمیم بودن در تعیین سرنوشت خویش هستند.

روز جهانی زنان مبارک باد

رویدادهای جهان



در گذشت دن سیانو پین

سه شنبه ۱۹ فوریه معمار رفرم های چین، دن سیانو پین در سن ۹۳ سالگی درگذشت. بنا بر گزارش خبرگزاری سین هوا او در سال های آخر زندگی خود دچار بیماری پارکینسون بود که در ماه های اخیر ذات الریه نیز به آن اضافه گردید. در چین ۵ روز عزای عمومی به مناسبت درگذشت این شخصیت برجسته حزب و دولت چین اعلام شده است.

در بیانیه سازمان های عالی جمهوری خلق چین که به مناسبت درگذشت دن سیانو پین منتشر شده است از مردم چین دعوت می شود که پیرامون حزب کمونیست چین وحدت و یکپارچگی خود را حفظ کنند. در این بیانیه از جمله آمده است: «دن سیانو پین رهبری بود با شخصیت برجسته برای حزب، ارتش و خلق های چین. مارکسیستی بزرگ و انقلابی پرولتاری، رجل دولتی، استراتژیست، دیپلمات و رزمنده ای کمونیست. معمار عمده رفرم های چین با عنایت سیاسی، مدرنیزاسیون و بنیان گذار تئوری ساختمان سوسیالیسم با چهره چینی».

دن سیانو پین مدت ها قبل از کناره گیری از کارهای حزبی و دولتی هدفمند شرایط گذار حاکمیت را به «نسل سوم» فراهم می ساخت.

گوشه هایی از زندگی رزمنده و پربار او: او در سال های ۲۰ به فرانسه رفت در آنجا به تحصیل و در عین حال به کار در کارخانه رنو پرداخت. از همین سال ها بود که به فعالیت های سیاسی رو آورد. در سال ۱۹۲۶ در دانشگاه زحمکنشان خاور در مسکو به تحصیل پرداخت. و در همانجا بود که در جلسات درس استالین، تروتسکی و رادک حضور می یافت.

در سال ۱۹۲۷ به چین بازگشت و به کار بازسازی حزب کمونیست و ارتش سرخ چین مشغول شد. در سال های ۳۶-۱۹۳۴ در راه پیمایی کبیر ارتش سرخ چین شرکت جست. در دوران پیکار مقاومت ضد ژاپن (سال های ۴۷-۱۹۳۷) عملیات نظامی را رهبری می کرد. از سال های ۱۹۵۲ تا نخستین سال های ۱۹۸۰ بارها معاونت نخست وزیری چین به او سپرده شد. در سال های ۶۶-۱۹۵۴ رییس کمیته دفاع چین بود. در سال های ۸۰-۱۹۷۷ ریاست ستاد ارتش آزادیبخش چین را به عهده داشت. بین سال های ۹۰-۱۹۸۳ ریاست شورای نظامی مرکزی جمهوری خلق چین را عهده دار بود یعنی در واقع وظایف مقام فرماندهی عالی ارتش آزادیبخش چین را انجام می داد. در آوریل ۱۹۴۵ برای نخستین بار به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درآمد. و در سال های ۶۶-۱۹۵۶ به مقام دبیر کلی حزب کمونیست چین ارتقا یافت.

چندین بار از تمام مسوولیت های حزبی و دولتی برکنار گردید، از جمله در «انقلاب فرهنگی» در سال ۱۹۶۶. در سال ۱۹۷۷ از او اعاده حیثیت به عمل آمد و به مسوولیت های حزبی و کشوری بازگشت. صندوق حاوی خاکستر دن سیانو پین با پرچم حزب کمونیست چین (پرچم سرخ با علامت داس و چکش)

پوشیده شده بود. هنگام برگزاری میتینگ تودیع با رهبر بزرگ چین صوت کشتی ها، لکوموتیوها و کارخانه ها به عنوان تودیع در سرتاسر کشور به صدا درآمد.

تغییر کابینه در روسیه!

یلتسین در بازگشت از دوران نقاهت طولانی به منظور تثبیت موقعیت خود و شانه خالی کردن از زیر بار مسوولیت بحران همه جانبه کشور، انتقاد از دولت و وزرا را در پیش گرفته است. مطبوعات روسیه اخباری مبتنی بر احتمال تغییرات در کابینه را منتشر کرده اند. یلتسین در ملاقات روز ۵ بهمن با چرنومردین، نخست وزیر اشاره کرد که «بسیاری از مردم روسیه از دولت، از صدر آن و در نتیجه از رییس جمهور ناراضی هستند». او پیشنهاد کرد که نخست وزیر پیشنهاداتی را برای تغییرات «ساختاری» و در «صورت لزوم» پرسنلی تدارک ببیند. انتقاد اصلی یلتسین به دولت در رابطه با کوتاهی و اهمال در پرداخت حقوق و مقرری های بازنشستگی می باشد که در کشور وضعیت انفجاری ای بوجود آورده است.

گزارش مطبوعات روسیه حاکی است که در تجدید آرایش کابینه وزرای دفاع، کار و معاون اول نخست وزیر و نخست وزیر چرنومردین احتمالاً کنار گذاشته خواهند شد. ایزوستیا گزارش داده است که یلتسین پس از سخنرانی سالانه خود خطاب به مردم روسیه در روز ۱۶ اسفند چرنومردین را کنار خواهد گذاشت و احتمالاً آنتولی چوبایس از طرفداران و طراحان سرسخت سرمایه داری روسیه را به جای او خواهد گمارد. چوبایس تا ژانویه ۱۹۹۶ معاون اول نخست وزیر بود. پارلمان روسیه به سختی مخالف قدرت گرفتن چوبایس می باشد و مطمئناً برگماری او را وتو خواهد کرد.

«گنادی زیوگائف رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه پیش بینی کرده است که ماه اسفند «ماه تغییرات بزرگی» خواهد بود. او رییس جمهور را فراخواند که یک «دولت اعتماد ملی» را تشکیل دهد. این ایده ای بود که زیوگائف اولین بار در فاصله بین دور اول و دوم ریاست جمهوری در سال قبل مطرح کرده بود. زیوگائف خاطر نشان ساخت که یلتسین زمینه را برای تجدید سازمان کابینه آماده می کند و اظهار کرد که نه دوما و نه مردم از بازگشت چوبایس به دولت حمایت نخواهند کرد. او گفت که حزب کمونیست حمایت خود را از یک اعتراض عمومی که برای روز ۷ فروردین سازماندهی شده است اعلام می دارد و اضافه کرد که کمونیست ها در اعتراضات گوناگون دکنترها و معلمان و کارگران که حقوق آنان پرداخت نشده است، شرکت می نماید.

محاکمه اسلامگرایان در باکو

محاکمه ۴ تن از ده عضو حزب اسلامی آذربایجان که در اردیبهشت ماه دستگیر شده بودند، در باکو آغاز گردید. این چهار نفر از جمله رهبر حزب بنام علی اکرم علی اوف متهم شده اند که با سازمان های اطلاعاتی ایران همکاری می کرده اند. حزب اسلامی اساساً در سال ۱۹۹۲ تأسیس شد و به ثبت رسید ولی در مرداد ماه ۱۳۷۴ در جریان رخدادهای قبل از انتخابات پارلمانی در آذربایجان تجدید ثبت آن رد شد. گفته می شود که این حزب حدود ۵۰/۰۰۰ عضو دارد و طبق گزارش های معتبر منابع مالی آن از ایران تأمین می شود.

چاره جویی برای افغانستان

یکور رودیونوف، وزیر دفاع روسیه و همتایان او از کشورهای آسیای میانه به جز ترکمنستان در روز ۷ اسفند مذاکراتی را در پشت درهای بسته در مورد وضعیت «در حال وخیم تر شدن» افغانستان انجام دادند. این اجلاس که اساساً قرار بود در اواخر اسفند و یا اوایل فروردین صورت بگیرد به درخواست اسلام کریم اوف، رییس جمهور ازبکستان که روز قبل از اجلاس نمایندگان چند کشور با رودیونوف ملاقات کرده بود، به جلو کشیده شد. اجلاس کشورهای آسیای میانه و روسیه چندین طرح از جمله امکان

ایجاد دو گردان موتوریزه مشترک برای حفاظت از مرزهای مشترک افغانستان با کشورهای مستقل مشترک المنافع را، در صورتی که نیروهای طالبان ژنرال دوستم را شکست بدهند، مورد مطالعه قرار دادند. رودیونوف گفت که از مذاکرات «بسیار راضی» است و مدعی شد که همه شرکت کنندگان در اجلاس بر این اعتقاد هستند که درگیری های افغانستان از یک مبارزه درون کشوری فراتر می رود. هم زمان با این اجلاس تایمز لندن گزارش داد که مسکو به منظور مقاومت و مبارزه علیه طالبان، تسلیحات در اختیار نیروهایی که در شمال افغانستان مستقر هستند قرار می دهد.

«رسمیت» دانشکده ها!

آلکساندر آرزومانیان، وزیر خارجه ارمنستان، در روز ۷ اسفند ماه در واشنگتن با رهبران حزب دانشکده که از آذر ماه ۱۳۷۳ غیر قانونی اعلام شده بود دیدار و گفتگو نمود. آرزومانیان در مورد اهمیت «وحدت ملی» برای یک توافق در ناگورنی قره باغ تأکید کرد. یک روز قبل از این، سفیر ارمنستان در یونان از مرکز حزب دانشکده در آتن بازدید و در مورد مساله ناگورنی قره باغ با مسولان حزب ارتجاعی دانشکده گفتگوهایی را انجام داد. تماس بین مقامات عالی رتبه ارمنستان و حزب دانشکده که از عمده ترین سازمان های ارامنه خارج از کشور محسوب می شود، از ماه آذر، پس از اینکه پریزدنت لئون پتروسیان رییس جمهور ارمنستان خواستار اتحاد و همبستگی همه ارامنه در سراسر جهان گردید، از سر گرفته شد.

مذاکره بر سر سر نوشت ناگورنی قره باغ

هیات های نمایندگی روسیه، فرانسه و ایالات متحده، سه کشوری که مسوولیت مشترک ریاست گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا را که مذاکرات در مورد حل درگیری های ناگورنی قره باغ را به عهده دارند، روز ۸ اسفند برای بحث درباره احیاء روند صلح در کپنهاگ ملاقات کردند. سه کشور موافقت کردند که آغاز مذاکرات جدید نیاز به «تدارک بیشتری» دارد. به همین منظور یک تیم فرانسوی برای گردآوری اطلاعات و حقایق در هفته دوم اسفند راهی منطقه شد که با تمامی طرفین دیدار نماید. بر طبق گزارش ایتر-تاس دور جدید مذاکرات در اواخر فروردین برگزار خواهد شد.

توافق گرجستان و ترکیه

در پی اجلاس اقتصادی مشترکی که اخیراً در تفلیس برگزار شد، گرجستان و ترکیه بر سر یک خط لوله و نیز قرارداد انرژی به توافق دست یافتند. بر طبق این توافق، ترکیه از طریق گرجستان گاز روسیه را دریافت خواهد کرد. این بخش از قرارداد به محض تعمیر و مرمت خط لوله موجود و ادامه آن به طول ۳۰ کیلومتر به مرز ترکیه به اجرا گذاشته خواهد شد. این خط لوله قرار است در ابتدا سالانه ۳ میلیارد متر مکعب گاز و در مرحله بعدی ۹ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی را به ترکیه منتقل کند. همچنین گرجستان در نظر دارد که با استفاده از منابع گاز ترکمنستان برق تولید و سپس آن را به ترکیه منتقل کند.

«در ۷ اسفند ماه اعلام شد که بر طبق نتایج تحقیقی که توسط شرکت آمریکایی میلر و لنتز انجام شده کمپانی روسی لوک اوایل مقام اول را از نظر ذخیره های نفتی تأیید شده در میان کمپانی های نفت خصوصی جهان در دست دارد. تخمین زده می شود که ذخایر نفتی لوک اوایل ۱۰/۸ میلیارد بشکه باشد ۲/۸۵ میلیارد بشکه آن در منطقه اروپایی روسیه قرار دارد. در آذرماه ۱۳۷۴ لوک اوایل اولین کمپانی روسی بود که اجازه یافت سهام خود را در بازارهای جهانی به معامله بگذارد.

پیام ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به زندانیان سیاسی و خانواده های شهداء و خانواده های زندانیان سیاسی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران فاجعه دردناک زمین لرزه و ادعاهای دروغین سران رژیم

هم میهنان گرامی!

بر اساس گزارش های رسیده روز جمعه ۱۰ اسفندماه زمین لرزه ای به قدرت ۵/۵ ریشتر اردبیل، مشکین شهر و دهکده های اطراف آن را لرزاند و تلفات سنگین جانی و مالی برای هم میهنان این نواحی بیار آورد. بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی این زلزله و پس لرزه های بعدی آن ۱۱۰ روستای اطراف این منطقه را بشدت تخریب، صدها کشته، و هزاران تن را مجروح و بی خانمان کرده است. بر اساس آخرین آمار شمار کشته شدگان از هزار نفر فراتر رفته است، بیش از ۳۰۰۰ تن مجروح و بیش از ۴۰۰۰۰ نفر بی خانمان شده اند. به گزارش صلیب سرخ بین المللی به دلیل سردی هوا و نبود امکانات، کمک به زلزله زدگان با دشواری های زیادی روبرو است و بدین ترتیب هر روز تلفات این فاجعه دردناک افزوده می شود. ابعاد وسیع خرابی های وارد آمده در این زمین لرزه و زمین لرزه های دیگری که در سال گذشته در ایران رخ داده است (از جمله ۷ زمین لرزه در استان گیلان، خراسان، کردستان و نواحی غرب کشور) در عین حال نشانگر فقر سیاه روستاییان زحمتکش این مناطق، پوشالی بودن تبلیغات گوش خراش سران رژیم پیرامون فقر زدایی و سازندگی و پیشرفت های محیرالعقول اقتصادی و اجتماعی آنان است که منجر به چنین تلفات و خسارات سنگین می شود. این تکان های ضعیف طبیعت عیار ادعاهای فراوان سران رژیم پیرامون راه اندازی «هزاران» پروژه نوسازی در سراسر کشور و فریب کاری حکومت مداران و سیاست های ضد مردمی را که آنان در مین ما اعمال می کنند برملا می سازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران این ضایعه بزرگ را از صمیم قلب به مردم این نواحی و خصوصاً خانواده هایی که عزیزان خود را در این فاجعه از دست داده اند تسلیت می گوید و با آنان ابراز همدردی می کند. بدیهی است که توده ای ها در هر کجای کشور که باشند از هیچ تلاشی برای کمک به این هم میهنان دریغ نخواهند ورزید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
شنبه ۱۱ اسفندماه ۱۳۷۵

دگراندیشان است و از این رو است که علی رغم کشتارهای وسیع و پاکسازهای هرساله صدها نفر به زندانیان سیاسی کشور، و شهدای راه آزادی افزوده می شود. مزدوران رژیم دیروز مردم معترض «اسلام شهر» را با هلی کوپتر به گلوله می بستند، در کرمانشاه و دیگر شهره های ایران مردم جان به لب رسیده را «ارازل و اوباش» می نامند که مستحق مرگ هستند و امروز صدها کارگر اعتصابی و قهرمان شرکت نفت را به اسارت می کشند. تا رژیم «ولایت فقیه» علی رغم ماهیت عمیقاً استبدادی، واپسگرا و ضد مردمی اش بتواند به حیات خود ادامه دهد. ولی تجربه تاریخی و بیش از همه تجربه پیروزی عظیم مردم در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ نشان می دهد که فرجام استبداد و دیکتاتوری نابودی و زباله دان تاریخ است.

دور نیست آن روزی که بار دیگر به دست توانمند توده ها درهای زندان ها گشوده شود و خلق با آغوش باز فرزندان دلاور خود را استقبال کند. و گلستان خاوران و آرامگاه ابدی شهدای راه آزادی، این اسطوره های انسانیت و مقاومت و پایداری گلباران شود و مردم ما بتواند آن طور که شایسته است از این قهرمانان به خون خفته خلق تجلیل کنند.

ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، بار دیگر گرم ترین دروذهای خود را به شما تقدیم می کند و در برابر این همه فداکاری، ایستادگی، شهامت و از خود گذشتگی سر تعظیم فرود می آورد.

دردو بیکران به شما زندانیان سیاسی مقاوم و قهرمان که در شکنجه گاه های قرون وسطایی همچنان مقام و استوارید!
دردو پر شور به خانواده های شهداء و خانواده های زندانیان سیاسی
جاودان باد خاطره تابناک شهدای راه آزادی،
استقلال و عدالت اجتماعی!

ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران
اسفندماه ۱۳۷۵

ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران دروذهای پرشور خود را به شما عزیزان که در شرایط دشوار استبداد قرون وسطایی رژیم حاکم بر مین ما، پرچم پرافتخار پیکار در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی را در اهتزاز نگاه داشته اید، تقدیم می دارد. پایداری، ایثار و قهرمانی هزاران زندانی سیاسی در شکنجه گاه های مخوف رژیم «ولایت فقیه» و مقاومت دلیرانه و پرشور شما علی رغم مصایب، فشارها، توهین و آزار جلاخان رژیم از درخشان ترین صفحات جنبش آزادی بخش مین ما است و الهام دهنده و گرما بخش کسانی است که در این تیره شام استبداد گام در راه مبارزه می نهند تا ایران را از بندهای استبداد، واپسگرایی، ظلم و ستم رها سازند.

جنايات و ددمنشی رژیم «ولایت فقیه»، به زنجیر کشیدن و شکسته ده ها هزار انسان آزادی خواه، از پیر و جوان، زن و مرد و حتی کودکان، و کشتار هزاران زندانی سیاسی که هنوز آمار دقیق و حتی اسامی تمامی آنان روشن نشده است، از درد ورنجی که بر مردم، مین و شما به خصوص روا شده است حکایت می کند. در این دوران سیاه حکومت تاریک اندیشان، مین ما گروهی از برجسته ترین انسان ها چهره های سیاسی، ادبی، علمی، فرهنگی و فعالان کارگری خود را از دست داده است که جبران آثار چنین فاجعه ای برای مردم مین ما بهایی بسیار گزاف می طلبد امروز افشای این جنایات، که رژیم تلاش می کرد آن را در گورهای جمعی خاوران برای همیشه دفن کند، در پرتوی پیکار شما به سند محکومیت رژیم «ولایت فقیه» در سطح جهان بدل شده است. محکومیت بی در پی ایران در مجامع بین المللی، علی رغم تلاش ها و ترفند های رژیم بیش از هرچیز مدیون پایداری و مبارزه شما و تلاش های نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور ماست.

هجده سال پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، همچنان آزادی کشی، اختناق و سرکوب هر صدای مخالفتی رایج ترین شیوه حکومت در برخورد با

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:501

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

11 March 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse